

# عیاران سیستان به روایت تاریخ سیستان

## برات دهمرده

عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

### چکیده

عیاران سیستان برای نخستین بار در سال ۱۹۲ هـ.ق در صحنه تاریخ پدیدار می‌شوند و از این پس نقشی مهم در جریانات سیاسی و اجتماعی سیستان ایفا می‌کنند. آنان در قرن سوم هجری به اوج قدرت رسیدند. در اواسط این قرن یعقوب بن لیث موفق شد با بهره‌گیری مناسب از قدرت آنان سرزمین‌های جدیدی را فتح نماید. پس از یعقوب نیز عیاران به حیات خود ادامه دادند. آنان در دوره ضعف خاندان صفاری و تسلط سامانیان و غزنویان به عنوان نیرویی وفادار به خاندان صفاری باقی ماندند و برای اعاده قدرت آنان قیام‌های متعددی را سامان دادند.

### مقدمه

در قرون نخستین هجری عیاران نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام خصوصاً ایران ایفا نمودند. عیاران سیستان جایگاه ویژه‌ای در تاریخ

جنبش عیاری دارند. از آنجایی که سیستان در فاصله بسیار دوری نسبت به مرکز خلافت قرار داشت، این منطقه از مراکز ناآرام سیاسی محسوب می شد و پایگاه مناسبی برای مخالفان خلافت از جمله خوارج به حساب می آمد. ضعف خلافت عباسی در سرکوب خوارج سبب شد تا عیاران برائی مقابله با آنان از میان توده مردم به پاخیزند. در مقاله حاضر سعی شده است تا علل ظهور عیاران و نقش آنان در تحولات سیاسی و اجتماعی سیستان براساس کتاب تاریخ سیستان مجهول المؤلف مورد بررسی قرار گیرد. برای روشن شدن هر چه بیشتر روند حوادث از سایر منابع نیز تا حد ممکن استفاده شده است.

## آغاز کار عیاران

یکی از پدیده های مهم اجتماعی که در تاریخ سیستان مطرح می شود ظهور عیاران و پایگاه اجتماعی آنان و همچنین نقش آنها در جریانهای سیاسی و اجتماعی سیستان می باشد. در میان شهرهای سیستان بست در قرون دوم و سوم هجری قمری به عنوان یکی از مهمترین پایگاههای عیاران مطرح بود.<sup>(۱)</sup> جغرافیدانانی که در قرن چهارم نیز از این شهر دیدن کرده اند مروت و جوانمردی را مهمترین خصیصه مردم بست برشمرده اند.<sup>(۲)</sup> تاریخ سیستان برای نخستین بار در سال ۱۹۲ هـ ق از فعالیت عیاران سیستان به ما اطلاع می دهد. در آن سال ابوالعریان، سرهنگی از عیاران سیستان، سیف بن عثمان حاکم سیستان را برای تصرف شهر زرنج که در دست محمد بن حصفین بود، یاری نمود.<sup>(۳)</sup>

این واقعیت که عیاران بست در این زمان آن قدر نیرو داشته اند که نقشی مهم در جریانات سیاسی ایفا کنند، نشان می دهد که فعالیت آنها به زمانهای دورتر بر می گردد. بدون شک وجود طبقات خاص اجتماعی که در سیستان و خصوصاً بست زندگی می کردند و همچنین وضعیت سیاسی خاص سیستان در ظهور عیاران تأثیری بسزا داشته اند. از آنجاییکه سیستان به عنوان یکی از سرحدات اسلامی محسوب می شد همواره تعدادی از غازیان در آنجا گرد می آمدند.

تعداد غازیان و مطوعه در این شهر زیاد بود زیرا بست پایگاه و دروازه‌های مهم برای هجوم به هند، زمین داور و غور به شمار می‌رفت. همچنین این شهر یکی از پایگاههای مهم تجاری با هندوستان به شمار می‌رفت و همواره تعدادی بازرگان در آن شهر به سر می‌بردند.<sup>(۴)</sup>

خوارج و افزایش فعالیت آنان در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم نیز نقشی مهم در ظهور عیاران و تقویت آنان داشت. افزایش فعالیت خوارج، سبب رکود کشاورزی، تجارت و افزایش ناامنی و همچنین متوقف ماندن غزوات باکفار گردید. در نتیجه سپاهیان بیکار، روستاییان و سایر گروههای اجتماعی که با بحران مواجه شده بودند به خیل خوارج و عیاران پیوستند. چنانکه یکی از سپاهیان بازنشسته سامانیان که در زرنج مرکز سیستان به سر می‌برد، موفق گردید تعداد زیادی از عیاران را گرد آورده و بر علیه سامانیان قیام نماید. او موفق شد تا برای مدتی هر چند کوتاه قدرت را در زرنج قبضه نماید<sup>(۵)</sup> (۲۹۹ هـ.ق). این نکته که تاریخ سیستان مکرر از سرهنگان و نقیبان عیاران سخن می‌گوید، نشان می‌دهد که عیاران در این زمان دارای نوعی تشکیلات بوده و از خود سلسله مراتبی داشته‌اند.<sup>(۶)</sup> باستانی پاریزی سلسله مراتب عیاران سیستان را بدون ذکر منبع به این گونه ذکر می‌کند: هر ده تن عیار سرپرستی به نام "عریف" و هر ده تن عریف یک نقیب و هر ده تن نقیب یک قائد (سرهنگ) و هر ده قائد یک امیر داشتند.<sup>(۷)</sup>

در آغاز قرن سوم عیاران زرنج عاملی قدرتمند در جریانهای سیاسی سیستان به حساب می‌آمدند. بنابراین برخی از حکام درصدد کسب حمایت آنان بودند. چنانکه لیث بن فضل که در سال ۲۰۰ هـ.ق به حکومت سیستان منصوب شد مقدار قابل توجهی از خراج سیستان را صرف طعام و خلعت عیاران می‌نمود.<sup>(۸)</sup> فعالیت شدید خوارج در این زمان مهمترین عاملی بود که سبب گردید حکام سیستان درصدد جلب رضایت عیاران برآیند. خوارج سیستان میان سالهای ۲۱۳-۱۸۲ هـ.ق مهمترین قدرت سیاسی و مذهبی مخالف عباسیان بوده و موفق شده بودند تا بر تمامی سیستان بجز پایتخت تسلط یابند.<sup>(۹)</sup> حمزه خارجی رهبر آنان با انتخاب لقب امیر المومنین خلافت عباسی را به مبارزه فرا خواند و دامنه فعالیت خود را به ایالات خراسان، کرمان و فارس توسعه

داد.<sup>(۱۰)</sup> در چنین شرایطی عیاران به عنوان قدرت مخالف خوارچ بر دامنه فعالیت خود افزودند اگر چه آنان بیشتر در شهرها فعالیت داشتند، اما نمی‌شود گفت این جنبش مختص به شهرها بوده است. احتمالاً در روستاهای سیستان نیز عیاران حضور داشتند. از میان عیاران روستاهای سیستان عیاران کمر زهیر<sup>(۱۱)</sup> مشهور بوده‌اند. عیاران کمر زهیر در سال ۳۰۱ هـ ق عاملی راکه فضل بن حمید<sup>(۱۲)</sup> به آن منطقه فرستاده بود، به قتل رساندند. این امر برای فضل بن حمید بقدری غیر منتظره بود که در صدد فرار از سیستان برآمد.<sup>(۱۳)</sup>

موقعیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و بافت اجتماعی خاص بست سبب گردید تا این شهر در آغاز قرن سوم یکی از مهمترین مراکز فعالیت عیاران گردد و حتی عیاران زرنج و یعقوب لیث و برادرانش نیز در آغاز کار خود را از آنجا شروع نمودند.<sup>(۱۴)</sup> روحیه تجزیه‌گرایی و استقلال طلبی عیاران سبب شد تا بست در آغاز قرن سوم به صورت یکی از مراکز ناآرام سیاسی تبدیل گردد. عیاران بست پس از شورش در ۲۱۶ هـ ق موفق شدند برای مدتی کوتاه قدرت را قبضه نمایند.<sup>(۱۵)</sup> پس از آن شورش‌های دیگری از طرف عیاران صورت گرفت که از میان آنها می‌توان شورش احمد قولی و شورش صالح بن نصر را نام برد.<sup>(۱۶)</sup> شورش اخیر که عیاران زرنج و یعقوب لیث در آن نقشی ایفا کردند با موفقیت کامل همراه بود و در نتیجه آن بست به تصرف عیاران درآمد.<sup>(۱۷)</sup> (۲۳۸ هـ ق)

این سخن مؤلف تاریخ سیستان که می‌گوید در جریان تسلط صالح بن نصر بر بست همه قوت سپاه او از یعقوب بن لیث و عیاران سیستان<sup>(۱۸)</sup> بود،<sup>(۱۹)</sup> حاکی از این واقعیت است که میان عیاران بست و زرنج نوعی همکاری وجود داشته است. بر اثر همین همکاری بود که شهر زرنج نیز به تصرف صالح بن نصر درآمد زیرا در جریان محاصره زرنج توسط صالح بن نصر عیاران آن شهر با بالا رفتن از دیوار شارستان و گشودن دروازه‌ها موجب تصرف شهر و فرار ابراهیم بن حنین حاکم سیستان گردیدند.<sup>(۲۰)</sup> احتمالاً این همکاری بر اساس ضرورت کسب قدرت سیاسی صورت گرفته است. به هر حال این همکاری و وحدت چندان نپایید زیرا عیاران زرنج دلبستگی خاصی به شهرشان داشتند. بر اثر همین دلبستگی بود که پس از تصرف زرنج به مخالفت با صالح بن نصر

پرداختند. عامل مهم بروز اختلاف میان عیاران و صالح غارت اموال بعضی از بزرگان زرنج بود که از مخالفین صالح به شمار می‌آمدند.<sup>(۲۱)</sup> عیاران که مخالف غارت اموال همشهریان‌شان بودند گفتند: "حرب ما همی‌کنیم و شهر آنجاست و ما دین را تقویت می‌کنیم، و صالح را اصل از سیستان"<sup>(۲۲)</sup> بود اما به بست بزرگ شده بود - ایشان<sup>(۲۳)</sup> گفتند که او که باشد که تاکنون دو بار هزار هزار<sup>(۲۴)</sup> درم از غارت بزرگان سیستان بدو رسید و اکنون باز نو غارت خواهد کرد! بست را و او را خود چه خطر باشد؟ بی‌حمیتی باشد اگر وی این مالها را از اینجا ببرد...<sup>(۲۵)</sup> فرار صالح بن نصر در پی مخالفت عیاران نشان می‌دهد که آنان در این زمان قدرتی بلامنازع محسوب می‌شدند.<sup>(۲۶)</sup> قدرتی که یعقوب بن لیث موفق شد با بهره‌برداری درست از آن بر تمام سیستان تسلط یافته و بزودی سرزمینهای جدیدی را فتح و زرنج را به صورت یکی از مراکز مهم قدرت در قرن سوم هجری درآورد.

تلاش عیاران برای به دست گرفتن قدرت سیاسی از همان آغاز با مخالفت دو نیروی عمده، حکام طاهری سیستان و خوارج، روبرو گردید. حاکم طاهری سیستان به دلیل ناراضیتی عموم، کار چندانی نمی‌توانست انجام دهد. اما خوارج که در این زمان از قدرت زیادی برخوردار بودند به اقدامات شدیدی دست زدند. نخستین برخورد دو گروه بر سر تصرف شهر کث صورت گرفت.

صالح بن نصر پس از تصرف بست در ۲۳۸ هـ ق این شهر را نیز تصرف کرد<sup>(۲۷)</sup>. اما خوارج به رهبری عمار خارجی اندکی بعد شهر را متصرف شدند، هر چند که مدتی بعد مجبور شدند تا در مقابل نیروی اعزامی از بست که شامل عیاران بست و زرنج بود، کش را تخلیه نمایند.<sup>(۲۸)</sup> از آنجا که خارجی ستیزی در این زمان در سیستان مقبولیت عام داشت و اکثر شورشیان بهانه خود را مبارزه با خوارج قرار می‌دادند،<sup>(۲۹)</sup> صالح بن نصر نیز در جریان حمله به زرنج، برای جلب پشتیبانی عیاران زرنج مبارزه با خوارج را هدف اصلی قیام خود، اعلام نمود<sup>(۳۰)</sup>. این امر سبب شد تا پس از تصرف شهر زرنج توسط صالح بن نصر و فرار ابراهیم بن حنیض قوسی نوعی همکاری نزدیک میان حاکم فراری و خوارج برای مبارزه با دشمن مشترک به وجود آید.<sup>(۳۱)</sup> عدم موفقیت نیروهای متحد

خوارج و حاکم فراری در تصرف زرنج، به رغم اختلافی که میان عیاران زرنج و صالح بن نصر بوجود آمد، نشان می‌دهد که عیاران از توان و نیروی قابل توجهی برخوردار بوده‌اند. <sup>(۳۲)</sup> قدرت عیاران در این زمان به حدی بود که توانستند حملات خوارج و صالح بن نصر را که با ربیب <sup>(۳۳)</sup> متحد شده بودند براحتی دفع کرده و یعقوب بن لیث توانست براحتی بر همه سیستان تسلط یابد. <sup>(۳۴)</sup>

در مورد جایگاه عیاران در سپاه یعقوب هیچ اطلاعی نیست و نمی‌دانیم که آیا آنها نیز مانند خوارج که دسته‌ای به نام جیش الشراة را تشکیل می‌دادند، دسته‌ای خاص داشته‌اند یا نه؟ شاید بتوان گفت از آنجا که یعقوب خود برخواسته از میان عیاران بود و در رأس گروهی از آنان قرار داشت، همان عیاران به عنوان هسته اصلی سپاه وی عمل می‌کرده‌اند. افرادی که به گروه عیاران می‌پیوستند عموماً از طبقات فرودست جامعه بودند و به مشاغلی از قبیل مکاری، بنایی، رویگری و از این قبیل اشتغال داشتند. <sup>(۳۵)</sup> یعقوب و برادرانش به این مشاغل اشتغال داشته و حتی یعقوب هنگامی که در اوج قدرت قرار داشت و خود را برای حمله دوم به بغداد آماده می‌ساخت در جواب رسول خلیفه که او را از مخالفت با خلیفه اِنداز می‌داد گفت: ... برو خلیفه را بگوی که من مردی روگرزاده‌ام و از پدر رویگری آموخته‌ام و این پادشاهی و گنج خواسته از سر عیاری و شیر مردی به دست آورده‌ام نه از پدر میراث دارم و نه از تو یافته‌ام. <sup>(۳۶)</sup>

نابسامانی اوضاع اقتصادی از عمده‌ترین عواملی بود، که سبب می‌شد تا این افراد به عیاران بپیوندند. فعالیت خوارج در آن عهد سبب رکود کشاورزی و تجارت و در نتیجه افزایش تورم گردید. وضع اقتصادی سیستان در سال ۲۲۰ هـ. ق به حدی وخیم بود که بر اثر قحطی و خشکسالی آن سال تعداد زیادی از مردم و حتی اشراف، بر اثر گرسنگی در گذشتند. <sup>(۳۷)</sup> آدم متز معتقد است که در عصر هارون الرشید خرج یک خانواده معمولی مرکب از زن و شوهر را در سال ۳۰۰ درهم کفایت می‌کرد. <sup>(۳۸)</sup> این سخن نشان می‌دهد که درآمد طبقات متوسط و فرودست سیستان در آن عهد بسیار کم بوده است زیرا یعقوب بن لیث که به رویگری اشتغال داشت ماهیانه ۱۵ درهم می‌گرفت که سالیانه بالغ بر ۱۸۰ درهم می‌گردید. <sup>(۳۹)</sup> از آنجا که یعقوب پس از آنکه قدرت را به دست گرفت افرادی را که

کمتر از ۵۰۰ درهم درآمد داشتند از پرداخت مالیات معاف کرد.<sup>(۴۰)</sup> به این واقعیت می‌رسیم که مخارج یک خانواده در سیستان سالیانه کمتر از ۵۰۰ درهم نبوده است. پایین بودن سطح دستمزدها و تورم ناشی از بحران اقتصادی و سیاسی سبب گردید تا صاحبان مشاغل آزاد به عیاری و راهزنی بپردازند. یعقوب لیث و یا پدرش نیز خود را در ابتدا به راهزنی و عیاری پرداختند ولی در راهزنی جانب اعتدال را رعایت کرده و در این زمینه نیز از آداب و رسوم عیاران پیروی می‌کردند.<sup>(۴۱)</sup>

### عباران و بیگانه ستیزی

تاریخ سیستان هیچ اطلاعی از فعالیت عیاران پس از به قدرت رسیدن یعقوب در سال ۲۴۷ هـ.ق تا پایان قرن سوم به ما نمی‌دهد. این به معنی اتمام فعالیت آنها نیست بلکه می‌توان گفت که در این دوره به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی<sup>(۴۲)</sup> ناشی از فتوحات و کسب غنائم موجب برای افزایش فعالیت آنان وجود نداشت. عیاران در طی قرون بعد به عنوان نیروی مخالف با نفوذ بیگانگان به فعالیت گسترده‌ای دست زده و همواره مدافع حقوق و حاکمیت خاندان صفاری بودند. عیاران زرنج در سال ۲۹۸ هـ.ق بر علیه سامانیان به عکس العمل شدیدی دست زدند اما به نتیجه‌ای نرسیدند.<sup>(۴۳)</sup> آنها در سال بعد شورش‌های همه جانبه بر علیه حکومت سامانیان ترتیب داده و موفق شدند که برای مدتی کوتاه یکی از افراد خاندان صفاری به نام ابوحفص را به حکومت برسانند.<sup>(۴۴)</sup> اما آنان مجبور شدند تا در سال بعد (۳۰۰ هـ.ق) شهر را به سامانیان تسلیم کنند. بسیاری از آنان به بخارا تبعید شده و در آنجا به دستور احمد بن اسماعیل به قتل رسیدند. علی‌رغم این کشتار عیاران، آنان در سال بعد (۳۰۱ هـ.ق) پس از اطلاع از خبر کشته شدن احمد بن اسماعیل مجدداً بر علیه سامانیان قیام کردند.<sup>(۴۵)</sup> این اقدام عیاران گرچه دست سامانیان را در آن سال از سیستان قطع نمود ولی منجر به تسلط مستقیم خلفای عباسی بر سیستان گردید.<sup>(۴۶)</sup>

بطور کلی منابع تاریخی از عیاران این دوره به عنوان عنصری نا آرام یاد می‌کند. مقدسی که در قرن چهارم از نیشابور دیدن می‌کرد اذعان دارد که عیاران آن شهر پس از

وفات امیری بلافاصله در نیشابور قدرت را به دست می‌گیرند. (۴۷)

در سیستان وضع نیز به همین منوال بود. چنانکه اشاره شد آنها در سال ۳۰۱ هـ.ق پس از شنیدن خبر وفات احمد بن اسماعیل سر به طغیان برداشتند. در طی دوران نفوذ غزنویان که از ۳۹۳ هـ.ق آغاز گردید نیز وضع به همین منوال بود. عیاران سیستان در همان سال پس از آنکه سفر جنگی محمود به هندوستان به طول انجامید بر علیه غزنویان شوریده و ابوبکر عبدا... نبیره امیر خلف صفاری را به حکومت برداشتند. (۴۸) اما پس از بازگشت سلطان محمود در سال ۳۹۴ هـ.ق مجبور به نبول سیادت غزنویان گردیدند. (۴۹) از این زمان به بعد تا سال ۴۲۱ هـ.ق عیاران فعالیت محسوسی نداشتند. آنان در این سال پس از شنیدن خبر وفات سلطان محمود طغیان نموده و برای مدتی کوتاه قدرت را قبضه نمودند. (۵۰)

چنانکه اشاره شد یکی از مهمترین ویژگیهای عیاران سیستان وفاداری به خاندان صفاری بود این وفاداری به اندازه‌ای بود که آنها حتی بر علیه فرماندهان خود که قصد براندازی صفاریان و خطبه خواندن به نام خود را داشتند قیام می‌نمودند. چنانکه مولی سندلی (= سندلی) (۵۱) که خود در سال ۲۹۹ هـ.ق به رهبری عیاران بر علیه سامانیان طغیان نموده بود، چون قصد کنار گذاشتن امیر باحفی را داشت توسط عیاران کشته شد. (۵۲) طی دهه اول قرن چهارم عیاران اقدامی برای احیای امارت صفاریان انجام ندادند اما در آغاز دهه دوم یعنی در سال ۳۱۱ هـ.ق آنها موفق شدند امارت خاندان صفاری را احیا نمایند که بیشتر از هشتاد سال به طول انجامید. (۵۳) گر چه عیاران از طرفداران پر و پا قرص خاندان صفاری بودند اما آنان تا زمانی که خاندان صفاری وفادار بودند که منافع خودشان تامین می‌شد در سال ۳۹۰ هـ.ق که سلطان محمود برای نخستین بار متوجه سیستان شد و امیر خلف (۵۴) صفاری را در کوه اسپهید محاصره نمود، چون عیاران به وی کمکی نکردند به شدت مورد غضب واقع شدند. (۵۵) این امر سبب شد تا عیاران به امیر خلف بدگمان شده و به پسرش امیر طاهر بپیوندند. و پس از کشته شدن امیر طاهر به دست پدرش عیاران زرنج را به محاصره گرفته و با غزنویان بیعت کردند (۵۶) (۳۹۲ هـ.ق). سلطان محمود در سال ۳۹۳ ق شخصاً به زرنج آمد و



بسیاری از عیاران را به بست و غزنه تبعید نمود و به حکومت صفاریان خاتمه داد.<sup>(۵۷)</sup> از این زمان به بعد در میان صفوف عیاران شقاقی بروز نمود. عیاران پشیمان شده در همان سال از بست و غزنه به سیستان آمده و بر علیه غزنویان شوریدند و ابوبکر عبدا... نبیره دخترى امير خلف را به حکومت برداشتند.<sup>(۵۸)</sup> خیانت عیاران طرفدار غزنویان سبب شد تا در سال بعد (۳۹۴ هـ.ق) زرنج به تصرف سلطان محمود درآمد و عرصه قتل و غارت گردید.<sup>(۵۹)</sup> چنانکه اشاره شد عیاران در سال ۴۲۱ هـ.ق پس از وفات سلطان محمود بر غزنویان شوریدند، اما عکس العمل غزنویان در مقابل آنها بسیار شدید بود. بسیاری از عیاران دو پاره شدند، نقیبان آنها گردن زده شدند و اموال سرهنگان آنان مصادره شد.<sup>(۶۰)</sup> ولی با این وجود آنها همچنان به عنوان نیروی بیگانه ستیز باقی ماندند. عیاران زرنج در ۴۲۹ هـ.ق به مخالفتی ولو ضعیف با حکومت امیرابوالفضل که توسط مسعود غزنوی به حکومت سیستان انتخاب شده بود، پرداختند.<sup>(۶۱)</sup> آخرین موردی که مؤلف تاریخ سیستان به عیاران اشاره می‌کند، فعالیت آنها و همکاری آنان با امیرابوالفضل می‌باشد که به سلجوقیان پیوسته بود تا حملات طغرل سردار مودودبن مسعود غزنوی را دفع نماید.<sup>(۶۲)</sup> (۴۴۳ هـ.ق) پس از آن دیگر هیچ اشاره‌ای به عیاران در تاریخ سیستان نمی‌شود. بدون شک این به معنی توقف فعالیت آنها نیست، بلکه از آنجاکه فعالیت آنها چندان محسوس نبوده منابع به آن اشاره‌ای نداشته‌اند. بنابراین برای ما این امکان وجود ندارد تا بتوانیم رد پای آنها را در تحولات سیاسی و اجتماعی سیستان در سده‌های بعد دنبال نماییم.

## نتیجه

سیستان در قرون نخستین هجری اوضاع مختص به خود را دارا بود. فعالیت خوارج و بحرانهای اقتصادی و بی ثباتی سیاسی سبب ظهور و افزایش فعالیت عیاران در این منطقه گردید. این گروه پس از محو شدن قدرت خوارج با مداخله در جریانهای سیاسی قدرت سیاسی را از آن خود کردند. آنان سلسله مراتبی برای خود به وجود آورده و نقشی مهم در تحولات سیاسی قرون دوم الی پنجم هجری ایفا نمودند.

## منابع و یادداشتها

- ۱- تاریخ سیستان، به تصحیح ملک الشعراء بهار، خاور، تهران، ۱۳۱۴، صص، ۱۹۲، ۱۷۹
- ۲- ابن حوقل: صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۵۶. اصطخری: ابواسحق ابراهیم، مسالک و ممالک، باهتمام ایرج افشار، علمی و فرهنگی، تهران، ص ۱۹۶. مقدسی، ابو عبدا... محمد بن احمد: احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان تهران، سال ۱۳۶۱، ص ۴۴۳
- ۳- ص ۱۶۱
- ۴- ابن حوقل: همان کتاب، ص ۱۵۶، مقدسی همان کتاب، ص ۴۴۴
- ۵- باسوث، کیلفور ادموند: تاریخ غزنویان، ج اول، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۷۰، تاریخ سیستان، صص ۸-۲۹۷
- ۶- تاریخ سیستان، صص ۱۶۱، ۳۶۳
- ۷- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم: یعقوب لیث، ابن سینا، تهران، سال ۱۳۵۳، ص ۴۶
- ۸- تاریخ سیستان، صص ۶-۱۷۵
- ۹- همان منبع، صص ۱۶۱-۱۵۶
- ۱۰- همان منبع، صص ۱۶۹-۱۶۴-۱۶۰
- ۱۱- ظاهراً یکی از روستاهای سیستان بوده است، همان منبع، ص ۲۹۷، زیرنویس ۵
- ۱۲- فضل بن حمید در سال ۳۰۱ هـ ق پس از فرار سیمجور حاکم سامانی بر اثر شورش عیاران به نام مقتدر خلیفه عباسی بر سیستان تسلط یافت، همان منبع، ص ۳۰۳
- ۱۳- همان منبع، ص ۳۰۳
- ۱۴- ابن حوقل: صورة الارض ص ۱۵۶، اصطخری: مسالک و ممالک، ص ۱۹۸
- تاریخ سیستان، ص ۱۹۳
- ۱۵- تاریخ سیستان، ص ۱۷۹

- ۱۶- همان منبع، صص ۲-۱۹۱ بیست و یکمین سالگرد استقلال ایران و سیستان در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری و ۱۹۲۳ م.
- ۱۷- همان منبع، ص ۱۹۲ حکام سیستان شدو ناسال ۱۳۳۲ هجری قمری و ۱۹۱۳ م.
- ۱۸- منظور از سیستان در اینجا شهر زرنج می باشد. و کوه مالک به کوهی در بلخ می باشد.
- ۱۹- ص ۱۹۳
- ۲۰- همان منبع، ص ۱۹۶
- ۲۱- همان منبع، ص ۱۹۸-۲۰۲
- ۲۲- منظور شهر زرنج است
- ۲۳- منظور عیاران می باشند
- ۲۴- منظور یک میلیون درهم می باشد
- ۲۵- همان منبع، ص ۱۹۸
- ۲۶- همان منبع، ص ۱۹۹
- ۲۷- همان منبع، ص ۱۹۳
- ۲۸- همان منبع، صص ۱۹۴-۱۹۳
- ۲۹- همان منبع، صص ۵-۱۸۴-۱۷۴۰
- ۳۰- همان منبع، ص ۱۹۵
- ۳۱- همان منبع، ص ۱۹۶
- ۳۲- همان منبع، صص ۱۹۷-۱۹۹
- ۳۳- رتبیل یا زنبیل لقب حکام کابل بوده است
- ۳۴- همان منبع، صص ۲۰۶-۱۹۹
- ۳۵- اصطخری، مسالک و ممالک، ص ۱۹۷، ابن حوقل، صورة الارض، ص ۱۵۶
- ۳۶- نظام الملک: سیر الملوک (سیاستنامه) با اهتمام هیوبرت دارک، بنگاه ترجمه نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۰ صص ۲۳-۲۴
- ۳۷- تاریخ سیستان، ص ۱۸۶
- ۳۸- متر، آدام: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری ج ۲، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۴۲۱

- ۳۹- گردیزی، ابوسعید عبدالحی: زین الاخبار، ادب، تهران، ۱۳۱۵، ص ۵-۹۱
- ۴۰- تاریخ سیستان، ص ۲۶۸
- ۴۱- خواند میر: حبیب السیر، ج ۲، خیام، تهران، ۱۳۳۳، ص ۶-۳۴۵
- ۴۲- ثروت امرای صفاری در این عهد به اندازه‌ای بود که طاهر بن محمد بن عمرو لیث که پس از عمرو به امارت نشست از گرفتن مالیات از مردم خودداری می‌کرد، تاریخ سیستان، ص ۲۷۷
- ۴۳- همان منبع، ص ۲۹۳
- ۴۴- همان منبع، صص ۲۹۹-۲۹۷
- ۴۵- همان منبع، ص ۲-۳۰۱
- ۴۶- همان منبع، ص ۴-۳۰۴
- ۴۷- مقدسی: احسن التقاسیم، ص ۴۱۶
- ۴۸- تاریخ سیستان، صص ۵-۳۵۴
- ۴۹- همان منبع، صص ۷-۳۵۶
- ۵۰- همان منبع، ص ۳۶۲
- ۵۱- مولی سندلی (=صندلی) یکی از سپاهیان سیستانی سپاه سامانی بود که به دلیل کھولت از سپاه کنار گذاشته شده بود و در سال ۲۹۹ هـ ق بر علیه سامانیان شورید و آنها را از سیستان بیرون راند.
- ۵۲- همان منبع صص ۳۰۰-۲۹۹، برای اطلاعات بیشتر در مورد چگونگی قیام مولی صندلی بنگرید به
- C.E.Bosworth and G.Rispling Anayyar coin from sistan, Journal of the Royal Asiatic. Thirdseries. volume 3.part2.July 1993. PP. 215-17
- این مقاله توسط نگارنده با این مشخصات ترجمه و منتشر شده است:
- ک.ا. باسورث «یک سکه عیاری»، کتاب نخل، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۴، صص ۸-۱۱
- ۵۳- تاریخ سیستان، ۳۱۰

۵۴- امیر ابواحمد خلف بن امیر بوجعفر احمد در سال ۳۵۲ هـ ق پس از کشته شدن پدرش به دست غلامانش، حاکم سیستان شد و تا سال ۳۹۳ هـ ق که به دلیل شورش عیاران و حمله سلطان محمود غزنوی اسیر گردید، حکومت می کرد.

۵۵- همان منبع، صص ۷-۳۴۶

۵۶- همان منبع، صص ۳۴۹-۳۵۱

۵۷- همان منبع، صص ۳۵۲-۳۵۴

۵۸- همان منبع، صص ۵-۳۵۴

۵۹- همان منبع، صص ۳۵۷

۶۰- همان منبع، صص ۳۶۳

۶۱- همان منبع، صص ۳۶۴

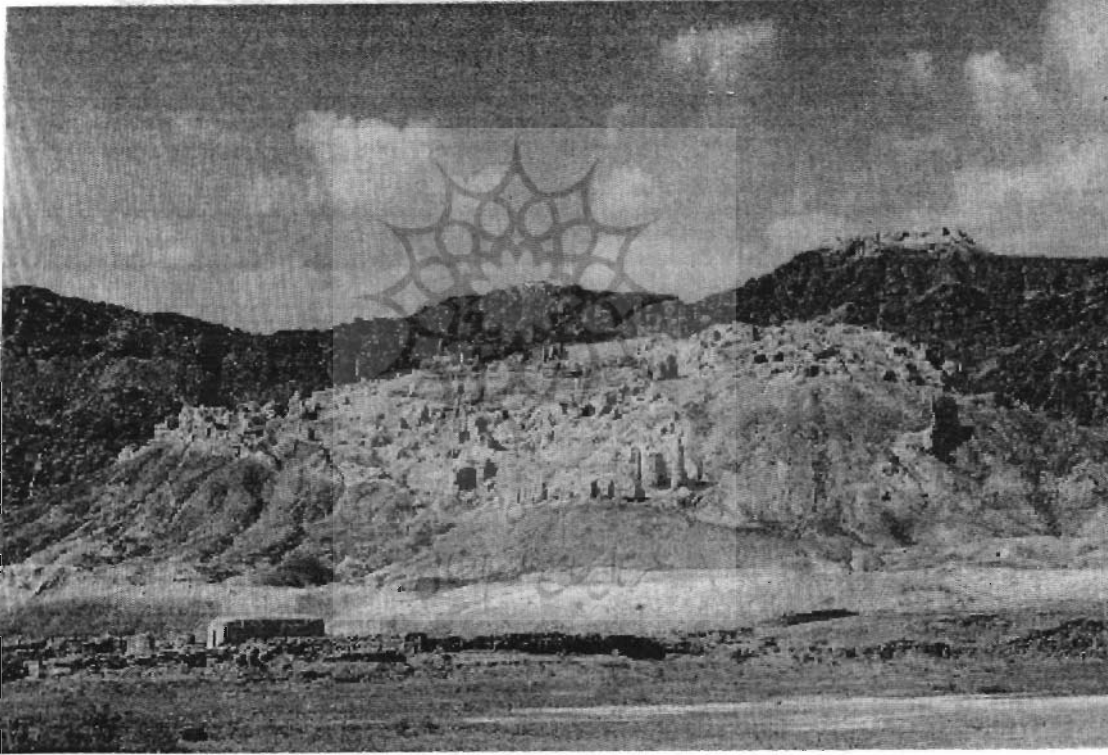
۶۲- همان منبع، صص ۷۲-۳۷۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در بین دانشجویان دانشگاه مرتال جامع علوم انسانی این تحقیق از روشهای توصیفی - پیمایشی و غرضی - مقایسه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری در این تحقیق، کل

دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد این دانشگاه است. حجم نمونه آماری ۲۷۵ نفر که شامل ۱۶۵ نفر دانشجوی پسرو ۱۱۰ نفر دانشجوی دختر به تناسب توزیع دانشجویان در چهار دانشکده می باشد روش نمونه گیری در سه مرحله یا استناد از روش نمونه گیری و غرضی،



۵۲- همان منبع حصص ۳۰۰-۲۹۹، برای اطلاعات بیشتر در مورد چگونگی قیام  
مولی مستدلی بنگرید

آثار باستانی کوه خواجه در میستان ( شاهنشاهی ساسانی ۲۴۰ ق.م - ۶۱۹ م.ب.م )